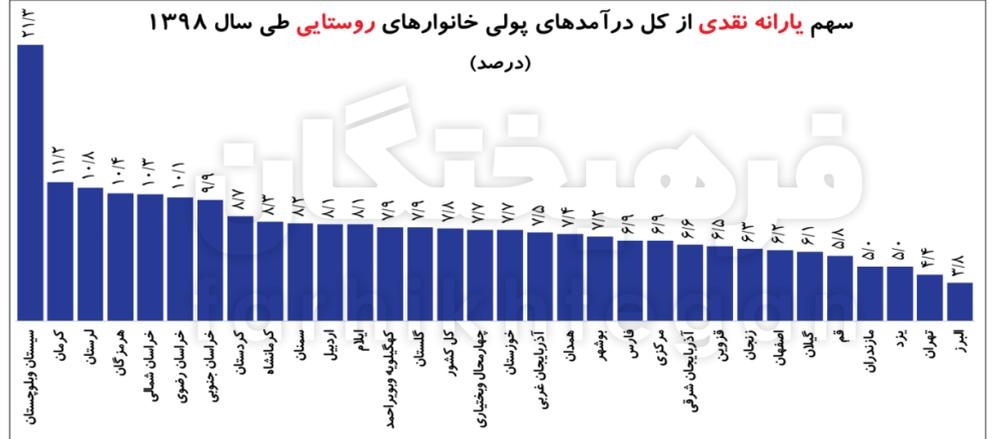
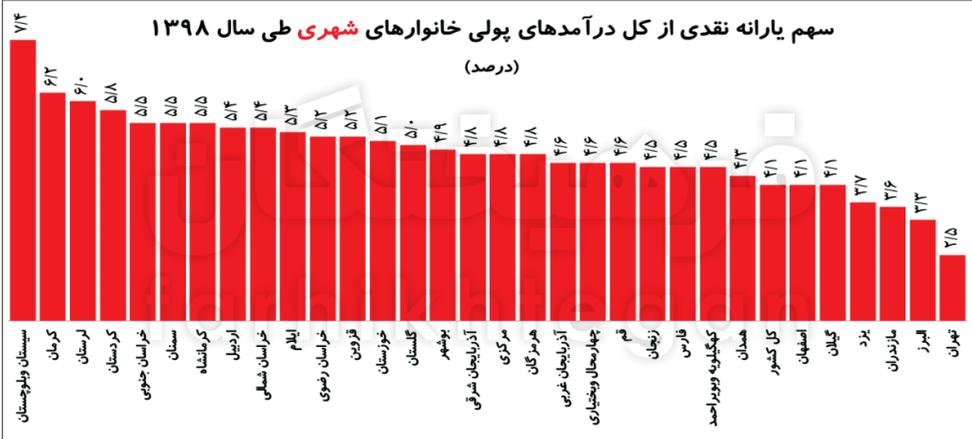




میانگین مصرف محصولات اصلی غذایی به صورت معناداری پایین آمده است

تورم و یارانه کم توان علیه سفره خانوار



اصابت بالا به گروه‌های هدف که کم‌درآمدها هستند، توافق دارند؛ با این حال درحال حاضر مساله محوری این است که بسیاری از کمک‌ها و یارانه‌های حمایتی دولت ضریب اصابت بالایی نداشته و چه‌بسا افراد مستمندتر و مستحق‌تر از پردرآمدها یارانه کمتری دریافت می‌کنند. نمونه این وضعیت، موضوع پرداخت یارانه نقدی که قانون هدفمندسازی یارانه (مبلغ ماهانه ۲۵ هزار و ۵۰۰ تومان) است قابل توجه است. براساس گزارش تفریغ بودجه سال ۱۳۹۸، دولت در اجرای جزء (۱) بند (الف) تبصره (۱۴) ملکی بود یارانه نقدی سه دهک بالای درآمدی را حذف کند. با این حال طی سال گذشته فقط یارانه یک میلیون و پنج هزار و ۱۲۴ نفر حذف شده، درحالی که براساس اعلام وزارت تعاون، از حدود ۷۷ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر یارانه‌بگیر سال ۱۳۹۸، حدود ۲۴ میلیون نفر در سه دهک بالای درآمدی قرار دارند. این بدان معناست که دولت یارانه حدود ۲۳ میلیون نفر از یارانه‌بگیران واقع در دهک‌های هشتم، نهم و دهم را حذف کرده است. در لایحه بودجه ۱۴۰۰ نیز دولت پیشنهاد داده کل یارانه نقدی (منابع قانون هدفمندی یارانه‌ها ۴۵ هزار و ۵۰۰ تومانی که به‌طور یکسان به خانوارهای دهک‌های مختلف پرداخت می‌شد، با لحاظ هزینه ناخالص خانوار در دهک‌های مختلف، یارانه نقدی ۶۳/۶ درصد از هزینه‌های خانوار دهک اولی (کم‌درآمدترین)، ۳۳/۱ درصد از هزینه‌های خانوار دهک دومی، ۲۶ درصد از هزینه‌های خانوار دهک سومی، ۲۱/۳ درصد از هزینه‌های خانوار دهک پنجمی، ۱۵/۳ درصد از هزینه‌های خانوار دهک ششمی، ۱۲/۸ درصد از هزینه‌های خانوار دهک هفتمی، ۱۰/۶ درصد از هزینه‌های خانوار دهک هشتمی، هشت درصد از هزینه‌های خانوار دهک نهمی و ۴/۷ درصد از هزینه‌های خانوار دهک دهمی (ثروتمندترین) را پوشش می‌داد. اما براساس داده‌های هزینه-درآمد مرکز آمار ایران، در سال ۱۳۹۸ این میزان پرداخت یارانه‌های نقدی به ترتیب ۱۴/۶ درصد از هزینه‌های دهک اول (کم‌درآمدترین)، ۹ درصد از هزینه‌های دهک دوم، ۷/۵ درصد از هزینه‌های دهک سوم، ۶/۴ درصد از هزینه‌های دهک چهارم، ۵/۵ درصد از هزینه‌های دهک پنجم، ۴/۸ درصد از هزینه‌های دهک ششم، ۴ درصد از هزینه‌های دهک هفتم، ۲/۵ درصد از هزینه‌های دهک هشتم، ۲/۶ درصد از هزینه‌های دهک نهم و ۱/۲ درصد از هزینه‌های دهک دهم را پوشش می‌دهد. به عبارت دیگر، طی سال ۱۳۹۸ که اولین یارانه نقدی برای خانوارها وارز شد، در دهک‌های کم‌درآمد یک، دو و سه یارانه نقدی به‌طور میانگین سهم ۴۱ درصدی در پوشش هزینه‌ها داشت که این میزان در سال گذشته به ۱۰/۴ درصد رسیده است. در سوی دیگر، یارانه نقدی پردرآمدها (دهک‌های هشتم، نهم و دهم) از ۷/۷ درصد در سال ۱۳۹۸ به ۲/۵ درصد رسیده است. در حالی که دولت یارانه‌ها را به‌طور موزن افزایش داده است، اما به دلیل اقتصاد سیاسی و لجاجت دولت در عدم قطع یارانه پردرآمدها و اختصاص آن به گروه‌های کم‌درآمد موجب شده مصوبه قانونی حذف یارانه پردرآمدها سال‌ها بر روی زمین بماند. نکته جالب توجه اینکه در صورت اجرای این مصوبه از سال ۱۳۹۳ تاکنون، ۷۰ هزار میلیارد تومان در منابع هدفمندی یارانه‌ها صرفه جویی می‌شد یعنی سالانه ۱۰ هزار میلیارد تومان که این رقم می‌توانست صرف خرید گروه‌های کم‌درآمد یا به‌طور قابل توجهی افزایش دهد.

یارانه‌بگیران کشور برای دریافت یارانه ثبت نام نکردند. روایت مذکور در قوانین بودجه سال‌های ۱۳۹۶، ۱۳۹۵، ۱۳۹۴، ۱۳۹۳، ۱۳۹۲، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۰ نیز تکرار شد اما با لجاجت دولت عملاً این مصوبه قانونی سال‌هاست که روی زمین مانده است. براساس جزئیات گزارش تفریغ بودجه سال ۱۳۹۸، دولت در اجرای جزء (۱) بند (الف) تبصره (۱۴) ملکی بود یارانه نقدی سه دهک بالای درآمدی را حذف کند. با این حال طی سال گذشته فقط یارانه یک میلیون و پنج هزار و ۱۲۴ نفر حذف شده، درحالی که براساس اعلام وزارت تعاون، از حدود ۷۷ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر یارانه‌بگیر سال ۱۳۹۸، حدود ۲۴ میلیون نفر در سه دهک بالای درآمدی قرار دارند. این بدان معناست که دولت یارانه حدود ۲۳ میلیون نفر از یارانه‌بگیران واقع در دهک‌های هشتم، نهم و دهم را حذف کرده است. در لایحه بودجه ۱۴۰۰ نیز دولت پیشنهاد داده کل یارانه نقدی (منابع قانون هدفمندی یارانه‌ها ۴۵ هزار و ۵۰۰ تومان) حدود ۴۲ هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان باشد. همچنین طبق بند (۱) تبصره ۱۴، دولت مکلف خواهد بود یارانه سه دهک پردرآمد را حذف کند. طبق بررسی‌های آماری با این مصوبه یارانه نقدی ۲۳ میلیون نفر که رقمی برابر با ۱۲ هزار و ۵۵۸ میلیارد تومان می‌شود، قابل حذف است. با توجه به اینکه طی سال‌های اخیر «پایگاه داده اطلاعات ایرانیان» در وزارت رفاه تشکیل شده و اطلاعات ۵۰ سامانه را گردآوری کرده و عملاً شرایط شناسایی افراد مستحق دریافت یارانه را برای دولت فراهم آورده، به نظر می‌رسد عدم حذف یارانه افراد پردرآمد موضوعی اقتصادی-سیاسی بوده و بی‌شباهت به طرح بنزینی دولت در آبان ۱۳۹۸ نیست.

هر فرد (فرد) فاصله ۶۹ درصدی با سرانه ۱۹ کیلو و ۳۰ گرمی میانگین سرانه جهانی دارد یا به عبارتی مصرف سرانه گوشت قرمز در جهان بیش از ۳ برابر مصرف فعلی ایران است.

لجاجت ۷ ساله رئیس‌جمهور

از آخرین روزه‌های آذرماه سال ۱۳۸۹ که هدفمندسازی یارانه‌ها در ایران کلید زده شد، این جراحی بزرگ بعدها شباهت‌های زیادی به طرح بنزینی سال ۱۳۹۸ دولت روحانی پیدا کرد. قبل از اینکه به شرح داستان هدفمندسازی یارانه‌ها بپردازیم، اشاره‌ای به نحوه اجرای طرح بنزینی دولت در اینجا خالی از فایده نخواهد بود. کمیت و کیفیت و ظاهر اجرای طرح سهمیه‌بندی و افزایش قیمت بنزین در سال ۱۳۹۸ توسط دولت روحانی هر همه آشکار است، اما اظهارات دولتمردان و برخی اقتصاددانانی که در این طرح به دولت مشاوره داده‌اند، گواه یک واقعیت تلخی است که بی‌ارتباط با هدفمندسازی یارانه‌ها و به‌ویژه بخش توزیع یارانه‌های نقدی نیست. در این خصوص آنچه‌ان که علی مروی و صادق حسینی در اقتصاددان نزدیک به دولت می‌گویند. به‌جای طرح بنزینی دولت؛ اندیشه‌های مختلفی طرح بازار متشکل انرژی راه دولت روحانی پیشنهاد داده بودند. براساس روایت این دو اقتصاددان از جلسه با برخی اعضای هیات دولت، استدلال بی‌ژن زنگنه وزیر نفت و برخی از اعضای هیات دولت این بوده که طرح مذکور (توزیع بنزین به‌ازای هر کد ملی و تشکیل بازار متشکل انرژی) یک بازتوزیع یارانه به‌نفع طبقات پایین‌هست، درحالی که پایگاه اجتماعی-اقتصادی در بین دولت طبقات متوسط به بالا است. استدلال دیگر اعضای هیات دولت این بوده که در صورت اجرای طرح بازار متشکل انرژی؛ چرکه تریبون دست آنهاست. اما ارتباط توزیع یارانه‌های نقدی با داستان مخالفت دولت با بازار متشکل انرژی و در نهایت اجرای طرح افزایش قیمت بنزین در آبان ۱۳۹۸ چیست برای پاسخ به این سوال باید به سال‌های قبل برگردیم. زمانی که دولت احمدی‌نژاد قانون هدفمندسازی یارانه‌ها را اجرا کرد، با اصلاحیه‌های مختلف در نهایت تعداد یارانه‌بگیران کشور در سال ۱۳۸۹ به ۶۴ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر رسید. این تعداد با ثبت نام جاماندگان در سال‌های بعد افزایش یافته و تا سال ۱۳۹۸ به ۷۷ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر رسید.

پس از چندین سال اجرای قانون هدفمندی، در سال ۱۳۹۳ قانون بودجه طبق بند «و» تبصره (۲۱)، دولت را مکلف کرد که یارانه نقدی را صرفاً به سرپرستان خانوارهای متقاضی که به تشخیص دولت نیازمند دریافت یارانه باشند، پرداخت کند مشروط بر اینکه مجموع درآمد سالانه آنها کمتر از رقم تعیین شده توسط دولت باشد در آن زمان؛ یا اینکه دولت برای خلاف اظهارهای جریمه‌مهم یارانه‌بگیران اقدام کرده باشد. اما تنها حدود سه میلیون نفر از

طی دوره دولت روحانی مصرف گوشت ماهی و میگو از رقم ناچیز سه کیلوگرم به‌ازای هر ایرانی، یک کیلوگرم دیگر نیز کاسته می‌توان گفت مصرف ماهی طی این مدت کاهش ۳۳ درصدی داشته است. سرانه ۲ کیلوگرم ماهی و میگو به‌ازای هر ایرانی در حالی است که میانگین جهانی مصرف ماهی بیش از ۲۱ کیلوگرم بوده و سرانه مصرف میگو نیز در جهان ۵۰ گرم به‌ازای هر فرد است. البته در برخی کشورهای توسعه یافته مصرف ماهی به‌ازای هر فرد سالانه به ۲۵ کیلوگرم نیز می‌رسد و این میزان در ژاپن حدود ۷۰ کیلوگرم است.

کاهش ۹ کیلوگرمی مصرف شیر و لبنیات

براساس آمارهای مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰ سرانه مصرف شیر و محصولات لبنی در کشورمان به‌ازای هر ایرانی حدود ۱۲۷ کیلوگرم بوده است که این مقدار تا پایان سال ۹۱ به ۱۲۰ کیلوگرم و تا پایان سال ۹۲ به ۱۱۵ کیلوگرم رسیده است. اما طی دوره نزدیک به ۸ ساله دولت روحانی مصرف شیر و محصولات لبنی بازم کاهش یافته و این میزان در سال‌های ۹۱ و ۹۲ به حدود ۱۰۶ کیلوگرم به‌ازای هر ایرانی رسیده است. به عبارتی طی دوره دولت روحانی مصرف شیر و محصولات لبنی ۹ کیلوگرم به‌ازای هر ایرانی کاهش یافته است. اما سرانه ۱۰۶ کیلوگرمی شیر و محصولات لبنی در ایران در حالی است که میانگین مصرف آن در بین ۱۰۰ کشور بررسی شده در این گزارش حدود ۱۹۳ کیلوگرم است. در بین کشورهایی که بیشترین مصرف سرانه شیر و محصولات لبنی را دارند، می‌توان به مصرف سرانه ۵۹۳ کیلوگرمی نیوزیلند، ۵۵۶ کیلوگرمی دانمارک، ۴۹۸ کیلوگرمی هلند، ۴۷۳ کیلوگرمی سوئیس، ۴۵۲ کیلوگرمی آلبانی، ۴۴۱ کیلوگرمی لیتوانی، ۳۹۸ کیلوگرمی ترکمنستان، ۳۹۷ کیلوگرمی ايسلند، ۳۸۷ کیلوگرمی سوئد و ۲۷۴ کیلوگرمی فنلاند اشاره کرد. در بین کشورهای همسایه نیز می‌توان به سرانه مصرف ترکیه، پاکستان، روسیه و آذربایجان اشاره کرد که سرانه مصرف شیر و محصولات لبنی آنها به ترتیب ۲۶۰، ۲۵۱، ۲۵۲ و ۲۱۲ کیلوگرم است.

کاهش ۵ کیلوگرمی مصرف برنج

در کنار نان، برنج قوت غالب سفره اغلب ایرانی‌هاست. داده‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد سرانه مصرف برنج در ایران از ۴۴ کیلوگرم به‌ازای هر فرد در سال ۱۳۹۰ به ۳۹ کیلوگرم تا پایان سال ۹۱ و ۳۸ کیلوگرم تا پایان سال ۹۲ رسیده بود که این میزان طی سال‌های اخیر به ۳۶ کیلوگرم تا سال ۱۳۹۸ و به ۳۳ کیلوگرم در سال ۱۳۹۹ رسیده است. به عبارتی طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ مصرف سالانه برنج در ایران به‌ازای هر نفر حدود ۷ کیلوگرم و طی دوره ۸ ساله دولت روحانی ۵ کیلوگرم کم شده است. مقایسه سرانه مصرف برنج در کشورمان به میانگین جهانی نیز نشان می‌دهد سرانه مصرف جهانی برنج به‌ازای هر فرد طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۹ بین ۵۳ تا ۵۵ کیلوگرم در نوسان بوده و در سال ۲۰۱۹ این رقم ۵۴ کیلوگرم به‌ازای هر نفر است. این بدین معنی است که سرانه مصرف برنج در ایران، برخلاف برخی ادعاها که مدعی مصرف زیاد برنج در کشورمان هستند، حدود ۲۱ کیلوگرم به‌ازای هر فرد نیز کمتر از میانگین جهانی است.

کاهش ۳۶ درصدی مصرف گوشت قرمز

طبق داده‌های مرکز آمار ایران، سرانه مصرف گوشت دامی (قرمز) در ایران در سال ۱۳۹۰ حدود ۱۳ کیلوگرم بوده است. این میزان تا سال ۱۳۹۲ به ۱۱ کیلوگرم به‌ازای هر ایرانی نیز کاهش یافته است. اما طی دوره دولت روحانی رقم مذکور بازم کاهش ۴ کیلوگرمی داشته و به ۸ کیلوگرم تا سال ۹۸ و به ۷ کیلوگرم تا سال ۹۹ رسیده است. به عبارتی طی دوره دولت روحانی مصرف سالانه گوشت قرمز هر ایرانی از ۱۱ کیلوگرم به ۷ کیلوگرم در سال و به بیانی دیگر از روزانه ۳۰ گرم به روزانه ۱۹ گرم به‌ازای هر ایرانی رسیده است.

براساس آمارهای جهانی، سرانه مصرف گوشت قرمز (گاو، گوسفند و خوک) در جهان سالانه به‌ازای هر فرد ۱۹ کیلو و ۳۰ گرم است. البته این میزان در آمریکا حدود ۵۱ کیلوگرم، در آرژانتین حدود ۵۰ کیلوگرم، در استرالیا حدود ۴۲ کیلوگرم، در شیلی حدود ۴۵ کیلوگرم، در کره جنوبی حدود ۴۳ کیلوگرم، در کشورهای عضو OECD حدود ۲۹ کیلوگرم، در برزیل حدود ۲۸ کیلوگرم، در نروژ حدود ۲۸ کیلوگرم، در سوئیس حدود ۲۷ کیلوگرم و در کانادا حدود ۲۵ کیلوگرم است. در بین کشورهای همسایه نیز، سرانه مصرف گوشت قرمز در روسیه ۲۲ کیلوگرم، در ترکیه نزدیک به ۱۴ کیلوگرم، در عربستان ۹ و در پاکستان نیز ۸/۵ کیلوگرم است. مقایسه ارقام مذکور نشان می‌دهد علاوه بر اینکه مصرف گوشت قرمز در ایران به شدت کاهش یافته، رقم فعلی سرانه مصرف سالانه گوشت قرمز در ایران (۶ کیلوگرم به‌ازای



مهدي عبداللهي مدير گروه اقتصاد

یکی از پیامدهای شکننده تورم و افزایش قیمت هادر سال‌های اخیر، کاهش قابل توجه مصرف کالاهای اساسی در خانوارهای کشور بوده است. بر این اساس با رشد چشمگیر قیمت‌ها و کاهش قدرت خرید خانوار، سرانه مصرف کالاهای اساسی نیز به‌غم اعطای ارز ۴۲۰۰ تومانی برای تولید این محصولات، کاهش قابل توجهی یافته است. از آنجایی که بخش خوراک و اقلام اساسی خوراکی در کنار مسکن، مهم‌ترین هزینه کرد اقشار کم‌درآمد است، کاهش مصرف اقلام اساسی خوراکی بسیار نگران‌کننده است و این نگرانی را به‌وجود می‌آورد که ممکن است خانوارهایی باشند که روزها و ماه‌ها به‌اغلب مواد غذایی مورد نیاز دسترسی نداشته باشند. در این خصوص، اخیراً مرکز آمار ایران بررسی‌هایی که در خصوص سرانه مصرف ۹ کالای اساسی شامل گندم، برنج، گوشت دام، گوشت پرنده، ماهی و میگو، شیر و محصولات لبنی، روغن‌ها و چربی‌ها و قند، شکر و چای داشته، تصویر واقعی‌تری از سفره ایرانی‌های طی دوره ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ ارائه داده است. نتایج این داده‌ها بسیار قابل تأمل و نگران‌کننده است؛ به‌طوری که طی دوره دولت روحانی، سرانه مصرف گوشت طیور به‌ازای هر نفر ۲ کیلوگرم، شیر و محصولات لبنی ۹ کیلوگرم، روغن و چربی‌ها ۳ کیلوگرم، قند و شکر ۶ کیلوگرم، برنج ۵ کیلوگرم، گندم ۴ کیلوگرم و گوشت قرمز ۴ کیلوگرم کاهش یافته و ماهی و میگو نیز تقریباً در حال حذف کامل از سفره‌هاست. در این شرایط آن‌چنان که در ادامه می‌خوانید، همه اقتصاددانان بر حمایت مؤثر و باصابت بالا از گروه‌های کم‌درآمد که معیشت آنها به شدت تضعیف شده، تأکید دارند، اما به دلایل اقتصاد سیاسی و لجاجت دولت در عدم قطع یارانه پردرآمدها و اختصاص آن به گروه‌های کم‌درآمد موجب شده مصوبه قانونی حذف یارانه پردرآمدها سال‌ها بر روی زمین بماند. نکته جالب توجه اینکه در صورت اجرای این مصوبه از سال ۱۳۹۳ تاکنون، ۷۰ هزار میلیارد تومان در منابع هدفمندی یارانه‌ها صرفه جویی می‌شد یعنی سالانه ۱۰ هزار میلیارد تومان که این رقم می‌توانست صرف خرید گروه‌های کم‌درآمد یا به‌طور قابل توجهی افزایش دهد.

جایگزینی گوشت قرمز با مرغ

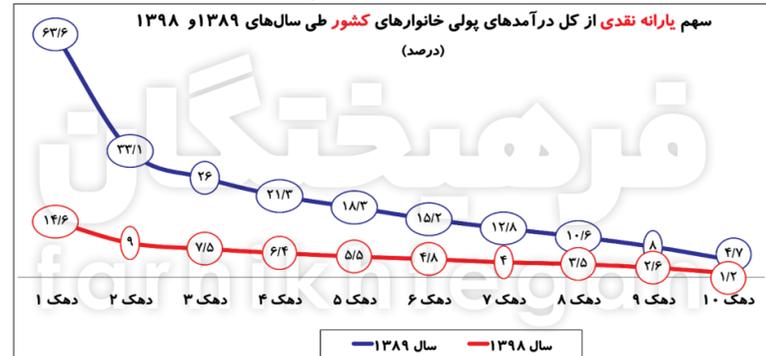
طبق آمارهای مرکز آمار ایران، مقدار سرانه مصرف سالانه گوشت طیور که شامل مرغ، شترمرغ، بوقلمون، بلدرچین و... است، در سال ۱۳۹۰ حدود ۳۱ کیلوگرم به‌ازای هر ایرانی بوده که این مقدار تا سال ۱۳۹۲ که دولت روحانی بر سر کار آمده بدون تغییر مانده است. طی سال‌های اخیر با افزایش قابل توجه قیمت گوشت قرمز، مصرف گوشت طیور حتی به ۳۵ کیلوگرم به‌ازای هر نفر در سال ۹۸ نیز رسیده اما برآورد مرکز آمار ایران این است که این مقدار با رشد قیمت مرغ در سال جاری به ۳۳ کیلوگرم به‌ازای هر ایرانی برسد. به عبارتی دیگر، طی دوره دولت روحانی مصرف گوشت مرغ به‌طور میانگین به‌ازای هر ایرانی بین ۲ تا ۳ کیلوگرم افزایش یافته است. در خصوص مصرف گوشت طیور مقایسه میزان مصرف ایرانی‌ها با ۳۶ کشور (آمار ارائه شده از سوی OECD یا همان سازمان همکاری و توسعه اقتصادی) نشان می‌دهد در بین ۳۶ کشور مورد بررسی، ایرانی‌ها رتبه ۱۱ را داشته و بالاتر از میانگین مصرف کشورهای عضو OECD، روسیه، مکزیک، انگلستان، ترکیه، کره جنوبی، ژاپن، نروژ، سوئیس، چین، مصر، پاکستان و هند قرار دارند. طبق آمارهای OECD، سرانه مصرف گوشت طیور در جهان نزدیک به ۱۵ کیلوگرم (۱۴/۷ کیلوگرم) بوده که مصرف ایرانی‌ها ۲/۲ برابر آن است. همچنین سرانه مصرف گوشت طیور در ایران ۷ برابر میانگین مصرف کشورهای آفریقایی است. البته در مصرف گوشت طیور آمریکایی‌ها با سرانه ۵۰ کیلوگرم رتبه اول هستند، مالزی‌ها با مصرف نزدیک به ۴۹ کیلوگرم دوم و پرویی‌ها با مصرف ۴۵ کیلوگرم در رتبه سوم قرار دارند. مردم کشورهای استرالیا، نیوزیلند، برزیل، آرژانتین، شیلی، کانادا، عربستان سعودی و آفریقای جنوبی دیگر کشورهای هستند که سرانه مصرف گوشت طیور در آنها بیش از ایران است.

کاهش ۳۳ درصدی مصرف ماهی ایرانی‌ها

براساس داده‌های مرکز آمار ایران، سرانه مصرف ماهی و میگو در سال ۱۳۹۰ به‌ازای هر ایرانی حدود ۴ کیلوگرم بوده که این مقدار تا سال ۱۳۹۱ همچنان بدون تغییر مانده است، اما در پایان سال ۱۳۹۲ به‌سده کیلوگرم کاهش یافته و طی سال‌های اخیر بانوساناتی که داشته، پیش‌بینی مرکز آمار این است که در سال جاری سرانه مصرف ماهی و میگو به‌ازای هر ایرانی به ۲ کیلوگرم برسد. به‌هر حال

یارانه نقدی کم‌درآمدها برابر کمتر شده است

برخلاف سال‌های قبل و دقیقاً زمانی که دولت احمدی‌نژاد قانون هدفمندسازی یارانه‌ها را اجرا کرد، جریان رقیب دولت وی (سیاسیون اصلاح‌طلب) که از یارانه نقدی به‌عنوان «گدایپوری» یاد می‌کردند، حالا دیگر بعید است استدلال قوی برای گدایپوری خواندن یارانه نقدی داشته باشند؛ چرا که در سال‌های اخیر و به‌ویژه با پیامدهای ناشی از شیوع ویروس کرونا، در ادبیات اقتصادی و سیاسی کمک‌های نقدی مؤثر به افراد نیازمند به‌هیچ‌وجه مفهوم گدایپوری نداشته و اتفاقاً تحقیقات و مقالات بسیاری وجود دارند که ثابت می‌کنند کمک‌های نقدی اگر ۱- به افراد نیازمندتر داده شود و ۲- منابع آن از طریق چاپ پول و منابع بانک مرکزی و صندوق توسعه ملی (در ایران) نباشد، بهترین شیوه برای حمایت از گروه‌های کم‌درآمد و همچنین روشی مؤثر برای تحریک تقاضا و حمایت همزمان از مصرف و تولید خواهد بود. اما مساله اصلی موارد مذکور نیست، چرا که حالا علاوه بر اقتصاددانان، سیاسیون نیز در پرداخت یارانه و کمک‌های یارانه‌ای مؤثر با



سال	گوشت طیور	ماهی و میگو	شیر و محصولات لبنی	روغن و چربی‌ها	قند و شکر	برنج	گندم	سایر	گوشت دام
۱۳۹۰	۳۱	۴	۱۲۷	۲۳	۲۴	۴۴	۱۷۰	۷	۱۳
۱۳۹۱	۳۰	۴	۱۲۰	۲۴	۲۴	۴۲	۱۶۹	۷	۱۲
۱۳۹۲	۳۱	۴	۱۱۵	۲۲	۲۲	۳۸	۱۷۲	۷	۱۱
۱۳۹۳	۳۰	۴	۱۰۹	۲۲	۲۰	۳۵	۱۷۲	۶	۱۰
۱۳۹۴	۳۰	۴	۱۱۱	۲۳	۲۰	۳۵	۱۶۳	۷	۱۱
۱۳۹۵	۳۳	۴	۱۰۹	۲۳	۱۹	۳۵	۱۶۸	۶	۱۱
۱۳۹۶	۳۳	۴	۱۰۷	۲۲	۲۰	۳۸	۱۶۲	۶	۱۰
۱۳۹۷	۳۲	۴	۱۰۰	۲۱	۱۸	۳۶	۱۶۳	۶	۸
۱۳۹۸	۳۵	۳	۱۰۶	۲۲	۱۹	۳۶	۱۶۷	۶	۸
۱۳۹۹	۳۳	۲	۱۰۶	۱۹	۱۶	۳۳	۱۶۸	۷	۷
تغییرات روزانه	۲ کیلو افزایش	۱ کیلو کاهش	۹ کیلو کاهش	۲ کیلو کاهش	۵ کیلو کاهش	۴ کیلو کاهش	بدون تغییر	بدون تغییر	۴ کیلو کاهش
سرانه جهانی (کیلوگرم)	۱۴٫۷	۲۱	۱۹۳	۱۳٫۳	۱۴٫۶	۵۴	-	-	۱۹٫۳

تصویر استانی نیازمندان یارانه

اما بررسی استانی اثرگذاری یارانه‌های نقدی بر معیشت خانوار نیز نتایج جالب توجهی دارد، به‌طوری که براساس داده‌های هزینه-درآمد خانوار، طی سال ۱۳۹۸ درحالی یارانه‌های نقدی در کل کشور حدود ۷/۸ درصد از هزینه‌های خانوار روستایی را پوشش داده که این یارانه‌ها در استان سیستان و بلوچستان، در مناطق روستایی سهم ۲۱/۳ درصدی در پوشش هزینه‌های خانوار داشته است که در کرمان ۱۱/۲ درصد، در لرستان ۱۰/۸ درصد، در هرمزگان ۱۰/۴ درصد، در خراسان شمالی ۱۰/۳ درصد، در خراسان رضوی ۱۰/۱ درصد و در خراسان جنوبی نیز ۹/۹ درصد بوده است. در مجموع میزان پوشش هزینه خانوارهای روستایی به‌واسطه یارانه نقدی در ۱۴ استان بیش از میانگین کشوری بوده است. یارانه نقدی در مناطق روستایی استان البرز با ۳/۸ درصد، تهران با ۳/۴ درصد و یزد با ۵ درصد، کمترین میزان پوشش را داشته است؛ اما در مناطق شهری نیز درحالی یارانه نقدی ۴/۱ درصد از هزینه‌های خانوار شهری کل کشور را پوشش داده که این میزان در استان سیستان و بلوچستان ۷/۴ درصد، در کرمان ۶/۲ درصد و در لرستان ۶ درصد بوده است. همه اینها بدین معنی است که در استان‌های محروم افراد نیازمندتر و افراد بیشتری مستحق یارانه‌های نقدی و کمک‌های دولت هستند و هرگونه مصدوره سیاسی و حیف‌ومیل آن از سوی هر جناح سیاسی هم که باشد، باید از سوی نهاد قانونگذاری ترک فعل و جرم تلقی شود.